

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیّم
سال نهم (۱۳۹۸)، شماره بیستم

بازخوانی انتقادی روایات ترتیب نزول (مطالعه موردی سه سوره منافقون، نور و احزاب)

زهرا کلباسی^۱
امیر احمدنژاد^۲

چکیده

روایات ترتیب نزول با بیان ترتیب تاریخی نزول سوره‌ها، به تعیین اجمالی زمان نزول آن‌ها پرداخته است. بر همین اساس، سوره‌های نور و منافقون پس از سوره نصر قرار گرفته که زمان نزول آن به سال نهم هجری می‌رسد. سوره احزاب هم بعد از سوره آل عمران قرار گرفته که تاریخ نزول آن به بعد از سال سوم هجری می‌رسد؛ اما برخلاف روایات ترتیب نزول، گزارش‌های تاریخی و روایات سبب نزول، نشانگر آن است که سوره منافقون، در راه بازگشت مسلمانان از جنگ بنی مصطلق، در شعبان سال پنجم هجری نازل شده است. پس از رسیدن مسلمانان به مدینه نیز تهمت منافقان به همسر پیامبر رخ داده که موجب نزول آیات ابتدایی سوره نور (آیات افک) شده است. آیات پایانی این سوره نیز به مسأله حفر خندق پیش از جنگ احزاب اختصاص یافته است. همچنین سوره احزاب به مناسبت جنگ احزاب در شوال سال پنجم، محاصره بنی قریظه و در نهایت ازدواج پیامبر با زینب که در ذی‌الحجه همین سال واقع شده، نازل شده است. از این رو آیات زمان‌دار سه سوره که اصلی‌ترین منبع تاریخ‌گذاری هستند، نشانگر نزول هر سه سوره در سال پنجم هجری، به ترتیب منافقون، نور و احزاب است. بر همین اساس، جایگاه این سه سوره در روایات ترتیب نزول اشتباه بوده و اعتبار این روایات در تاریخ‌گذاری سوره‌ها را مخدوش ساخته است. واژگان کلیدی: سوره منافقون، سوره نور، سوره احزاب، روایات ترتیب نزول، تاریخ‌گذاری، آیات زمان‌دار.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان / zahrakalbasi@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) /

amirahmadnezhad@outlook.com

۱- مقدمه

روایات ترتیب نزول - که یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ‌گذاری سوره‌ها است - تقریباً متن واحدی را از ترتیب نزول یکایک سوره‌های قرآن از علق تا توبه ارائه می‌دهند و به چهارده تن از صحابه و تابعان می‌رسند. از این چهارده روایت، نُه روایت کامل بوده و ترتیب نزول تمام سور را ذکر کرده است. این روایات در مجموع عمدتاً از طریق شاگردان متعدد به ابن عباس رسیده است (نکونام، ۱۳۸۰، صص ۱۲۹-۱۳۰). در کنار روایات ترتیب نزول باقی‌مانده از ائمه (ع) نیز تنها روایت کاملی از امام صادق (ع) نقل شده که البته این روایت در منابع متقدم انعکاس نیافته است. قدیمی‌ترین منبعی که آن را از قول امام صادق (ع) بیان کرده، شهرستانی در «مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار» در قرن ششم هجری است (شهرستانی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۹). پس از او نیز زنجانی در دوران معاصر در کتاب «تاریخ القرآن» به ذکر این روایت از قول شهرستانی پرداخته است (زنجانی، ۱۴۰۴، صص ۸۵-۸۶). این در حالی است که این روایت از یک سو علی‌رغم تتبع گسترده، در منابع روایی شیعه نقل نشده و از سوی دیگر عالمان شیعه که به نقل روایات ترتیب نزول پرداخته‌اند، به روایت ابن عباس بسنده کرده و از روایت امام صادق (ع) سخنی به میان نیاورده‌اند (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، صص ۶۱۲-۶۱۳ / معرفت، ۱۳۸۱، صص ۹۰-۹۱) که نشان از بی‌اعتباری این روایت در میان اندیشمندان مسلمان و بالخصوص شیعیان دارد.

هرچند روایات ترتیب نزول، زمان دقیقی برای نزول سوره‌ها معین نکرده، اما با بیان ترتیب نزول آن‌ها کمک شایانی به کشف زمان نزول هر سوره نموده است؛ زیرا با شناسایی سوره‌هایی که به حوادث شاخصی اشاره نموده و سال وقوع آن‌ها در منابع تاریخی قطعی است، می‌توان به زمان نزول آن سوره و سور مجاورش دست یافت.

در این میان هرچند مورخان، گاه به نزول برخی آیات در پی حوادث تاریخی اشاره کرده‌اند، اما اغلب به روایات ترتیب نزول بی‌توجه بوده‌اند. در مقابل، مفسرانی که دغدغه تاریخ‌گذاری داشته‌اند، اغلب به روایات ترتیب استناد کرده و از گزارش‌های تاریخی استفاده نکرده‌اند. از این رو هرچند مورخان همچون واقدی در کتاب مغازی، به ذکر آیات مرتبط با حوادث تاریخی پرداخته‌اند و یا در تفاسیر تنزیلی، به روایات ترتیب نزول اتکا شده، اما علی‌رغم تتبع فراوان این نوشتار، پژوهش جامعی در تاریخ‌گذاری سوره‌ها با استناد به مجموع قرائن درونی (سیاق سوره‌ها) و بیرونی شامل روایات ترتیب نزول، روایات سبب نزول و گزارش‌های تاریخی در دست نیست. از این رو این پژوهش بر آن شده تا با استمداد از همه قرائن، سه سوره منافقون، نور

و احزاب را تاریخ‌گذاری کرده و سپس اعتبار روایات ترتیب نزول در تعیین جایگاه این سه سوره را مورد ارزیابی قرار دهد.

بر پایه چیدمان سور احزاب، نور و منافقون در روایات ترتیب نزول، می‌توان به نزول سوره احزاب در سال پنجم هجری پی برد. همچنین برحسب آنکه دو سوره نور و منافقون پس از سوره نصر که در فتح مکه نازل شده، قرار گرفته‌اند، به نزول آن‌ها در سال نهم هجری می‌توان دست یافت. در نتیجه این سه سوره طبق روایات ترتیب نزول، با فاصله زمانی چندساله از هم نازل شده‌اند. اما روایات سبب نزول ذیل این سه سوره و گزارش‌های تاریخی مرتبط با آیات زمان‌دار آن‌ها، همگی نشانگر نزول هر سه سوره در سال پنجم هجری است.

این دو نتیجه متفاوت، از سویی موجب سردرگمی مفسران در تاریخ‌گذاری این سه سوره شده و از سوی دیگر نشانگر تعارض جدی روایات ترتیب نزول با روایات سبب نزول و گزارش‌های تاریخی است. بر همین اساس، پژوهش پیش رو ابتدا به تاریخ‌گذاری دقیق هر سه سوره با استناد به روایات ترتیب نزول پرداخته است. در مرحله دوم آیات زمان‌دار هر سوره را شناسایی کرده و در مرحله سوم با استناد به سیاق هر سه سوره به‌عنوان قرائن درون‌متنی و گزارش‌های تاریخی جنگ‌های پیامبر (ص) به‌عنوان قرائن برون‌متنی، تلاش نموده تا به تاریخ‌گذاری جدیدی از این سوره‌ها دست یابد.

۲- جایگاه سه سوره منافقون، نور و احزاب در جداول ترتیب نزول

در روایت منسوب به امام صادق (ع) و همچنین روایت منسوب به ابن عباس، سوره احزاب هشتاد و نهمین سوره، پس از آل عمران و قبل از ممتحنه معرفی شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، صص ۶۱۲-۶۱۳ / شهرستانی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۹).

برحسب آنکه سوره احزاب بنا بر اتفاق نظر همگان بیانگر آیات جنگ احزاب و سپس جنگ بنی قریظه است و این دو واقعه در سال پنجم هجری واقع شده (واقعی، ۱۳۶۹، صص ۳۲۹، ۳۷۵)، نزول سوره احزاب به همین بازه زمانی بازمی‌گردد. سوره آل عمران که در روایات ترتیب نزول، قبل از احزاب واقع شده هم به جنگ احد پرداخته که در سال سوم هجری رخ داده است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷). سوره ممتحنه نیز که در روایات ترتیب نزول پس از احزاب قرار گرفته، پس از صلح حدیبیه و قبل از فتح مکه در بازه زمانی سال ششم تا هشتم هجری واقع شده است (همان، ج ۲، ص ۵۴ / ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۴۷). در نتیجه سوره احزاب از سویی خود دارای آیات زمان‌دار بوده و از سوی دیگر در میان دو سوره‌ای واقع شده که برحسب

آیات زمان‌دار آن‌ها، در پی حوادث قبل و بعد از جنگ احزاب نازل شده‌اند و توالی تاریخی خود را حفظ نموده‌اند.

سوره نور در هر دو روایت ترتیب نزول ابن عباس و امام صادق (ع)، صد و دومین سوره است که بلافاصله پس از سوره نصر قرار گرفته است. سوره منافقون نیز در هر دو روایت، سه سوره پس از سوره نصر جای‌گذاری شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۶۱۲-۶۱۳ / شهرستانی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۹).

اغلب مورخان، نزول سوره نصر را بلافاصله پس از فتح مکه در سال هشتم هجری گزارش نموده‌اند (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۱ / واقدی، ۱۳۶۹، ص ۶۸۰ / ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، صص ۳۲۱-۳۲۲ / ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۶۴ / ابن عبد البر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۹). در این میان واقدی با ذکر جزئیات حائز اهمیتی در این باره چنین نگاشته: «رسول خدا مکه را سیزدهم رمضان یا بیستم آن -در سال هشتم- گشود و خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ...﴾ (نصر: ۱/۱۱۰) پیامبر پس از آن پانزده روز در مکه اقامت فرمود و نماز را شکسته و دو رکعتی گزارد و سپس روز شنبه شش شب از شوال گذشته از مکه بیرون آمد و همراه با ده هزار نفر از مردم مدینه و دو هزار نفر از مردم مکه به سوی حنین حرکت کردند.» (واقدی، ۱۳۶۹، ص ۶۸۰) در نتیجه سوره نور که در روایات ترتیب نزول پس از سوره نصر قرار گرفته، در اواخر سال هشتم یا ابتدای سال نهم هجری نازل شده است. همچنین جایگاه سوره منافقون که در روایات ترتیب نزول، سه سوره پس از سوره نصر است، نشانگر نزول آن در سال نهم هجری است. لذا اگر به روایات ترتیب نزول اعتماد کنیم، سوره احزاب، سه سال قبل از سور نور و منافقون نازل شده و نزول سوره نور نیز بر سوره منافقون مقدم شده است.

۳- گذری بر سه سوره منافقون، نور و احزاب

سیاق سه سوره نور، منافقون و احزاب، همچون جایگاه آن‌ها در روایات ترتیب نزول، به وضوح نشان از مدنی بودن هر سه سوره دارد.

سوره منافقون شامل ۱۱ آیه است که با افشاگری کفر پنهان منافقان آغاز شده و به پیامبر هشدار داده که دوستی و اظهار ایمان آنان، خیانت و دروغی بیش نیست. سپس به برخی اقدامات عصیانگرانه منافقان پرداخته و آنان را مورد مذمت قرار داده است. از جمله آنکه آنگاه که دعوت به هدایت و آمرزش از سوی پیامبر (ص) می‌شوند، متکبران سر باز زده و با هم متحد می‌شوند که از انفاق به یاران پیامبر (ص) خودداری کنند تا مسلمانان حقیقی را در فشار قرار دهند. سپس

پیامبر (ص) را ذلیلی خطاب می‌کنند که قصد اخراج او از مدینه را دارند. آیات پایانی سوره نیز مسلمانان را به انفاق قبل از فرارسیدن اجل و پرهیز از گرفتار آمدن به فتنه مال و فرزند فراخوانده است.

سوره نور در ابتدا با مسأله حکم زناکاران و خیانت زناشویی آغاز شده و با نقد و بررسی زوایای مختلف مسأله افک که تهمتی فراگیر به همسر پیامبر (ص) بوده، ادامه یافته است. در ادامه از عفت همسر پیامبر (ص) دفاع کرده، مسلمانان را به سبب شایعه‌پراکنی مذمت کرده و کسانی که به زنان پاک‌دامن تهمت می‌زنند را به سختی توبیخ کرده است. سپس به برخی مسائل اجتماعی همچون حکم ورود به منزل افراد و مکان‌های عمومی، عفت در نگاه از سوی زن و مرد، رعایت حجاب و بیان انواع محارم، ازدواج بردگان و آزادسازی آنان پرداخته است. در آیه ۳۵، پروردگار به نور تشبیه شده و سپس وضعیت مؤمنان حقیقی و کافران و عاقبت اخروی هر دو گروه بیان شده است. در ادامه تبعیت از احکام و فرمان پیامبر (ص) ملاک ایمان شناخته شده و منافقان به سبب آنکه سخن از اطاعت پیامبر (ص) می‌گویند، اما در عمل از پیروی سرباز زده‌اند، مورد عتاب واقع شده‌اند. سپس نتیجه اطاعت از پیامبر (ص)، هدایت اخروی و سروری در زمین بیان شده است. آیات پایانی سوره نور باز به مسائل اجتماعی همچون جواز برداشتن حجاب برای زنان بزرگ‌سال که امید به ازدواج ندارند، جواز استفاده برخی افراد از خوراک منزل دیگران و در نهایت، لزوم کسب اجازه از پیامبر (ص) برای ترک کارهای جمعی اختصاص یافته است.

سوره احزاب با مسأله فرزندخواندگی و لزوم نسبت دادن آنان به پدرانشان آغاز شده، سپس به تفصیل به جنگ احزاب و فشار همه‌جانبه مشرکان بر مسلمانان و بهانه‌های منافقان برای فرار از جنگ پرداخته است. سپس به خیانت یهودیان و جنگ بنی قریظه که بلافاصله پس از احزاب واقع شده اشاره کرده است. از آیه ۲۸ به بعد، معضلات اجتماعی جامعه مسلمانان را با نهی زنان پیامبر (ص) از طمع به دنیا آغاز کرده و سپس آنان را از تبرج و خودنمایی در سخن بازداشته و به خروج کمتر از منزل و پرداختن بیشتر به قرآن و اطاعت پیامبر (ص) فراخوانده است. در مقابل این زنان، از گروه دیگری از خانواده پیامبر (ص) به عنوان اهل بیت ایشان، به نیکی یاد کرده و آنان را پاک و به دور از هرگونه پلیدی دانسته است. در روایات فراوانی این گروه ویژه بر حضرت زهرا (س)، امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان آنان اطلاق شده است (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۴۱/ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، صص ۴۱۸-۴۲۱/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۶۰). پس از آن

برحسب ازدواج پیامبر (ص) با زینب به مسأله حلیت ازدواج با همسر پسرخوانده پرداخته است. در ادامه آیات فراوانی در جایگاه معنوی پیامبر (ص) و حتی برخی حقوق مادی او همچون مسأله ازدواج و لزوم مراعات بیشتر مسلمانان در معاشرت با پیامبر (ص) نازل شده است. پس از آن به مناسبت دستور به رعایت حیای ویژه در معاشرت با زنان پیامبر (ص) به مسأله محارم و حفظ حجاب زنان برای جلوگیری از آزار بددلان پرداخته است. خاتمه سوره نیز به ترسیم فضای آخرت و مجازات توأمان رهبران و مقلدان کافر اختصاص یافته است.

۴- شناسایی آیات زمان‌دار سه سوره منافقون، نور و احزاب

ذیل سه سوره احزاب، نور و منافقون، روایات سبب نزول فراوانی نقل شده که برخی از آن‌ها به حوادثی مشخص و تاریخ‌دار در زمان نزول اشاره دارند. در این تحقیق این دسته از آیات به‌عنوان آیات زمان‌دار معرفی می‌شوند. بر همین اساس در ادامه آیات زمان‌دار هر سه سوره به تفکیک بیان خواهد شد.

۴-۱- آیات زمان‌دار سوره منافقون

پیش‌تر بیان شد که این سوره به مذمت گروهی خاص از منافقان می‌پردازد. در آیات ۵-۸ گزارش تقابل شدید آن‌ها با پیامبر (ص) تا حد هم‌پیمانی بر عدم انفاق به نزدیکان رسول خدا و تهدید به اخراج ایشان از مدینه، قابل مشاهده است. برخی مفسران مناسبت نزول این سوره را جنگ بنی مصطلق دانسته‌اند که یکی از انصار با یکی از مهاجران بر سر نوبت استفاده از آب چاه اختلاف پیدا کرد و به دعوی گروهی تبدیل شد. عبدالله بن ابی در آن هنگام سوگند خورد که به هنگام بازگشت به مدینه دلیل‌ترین مردم - که اشاره به رسول خدا بود - را اخراج خواهد کرد. پس از آنکه گزارش این توهین به پیامبر (ص) رسید، عبدالله بن ابی گفتار خود را انکار کرد که سوره منافقون در افشای او نازل شد. پس از آن برخی مسلمانان عبدالله بن ابی را تشویق می‌کردند که به نزد پیامبر (ص) رفته و طلب استغفار کند، لیکن او متکبرانه روی برگرداند (واحدی، ۱۳۸۳، صص ۲۲۸-۲۲۹/ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، صص ۳۲۱-۳۲۲/ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، صص ۳۱۳-۳۱۵). دروزه با استناد به زمان‌دار بودن آیات سوره منافقون و سیاق منسجم همه آیات آن، نخست بر نزول دفعی این سوره تصریح کرده و سپس زمان نزول آن را با توجه به آنکه در بازگشت از

جنگ مریسیع^۱ نازل شده، برخلاف روایات ترتیب نزول، قبل از سوره احزاب اعلام کرده است (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۴۵۷).

دیگر مفسران نیز ذیل آیات ۷-۸ منافقون، بدون ذکر نام بنی مصطلق، گزارشی کاملاً مشابه واحدی از خیانت عبد الله بن ابی و نزول دفعی سوره منافقون در مذمت وی بیان کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، صص ۷۰-۷۱ / سمرقندی، بی تا، ج ۳، صص ۴۵۱-۴۵۳).

مورخان واقعه درگیری میان عبدالله بن ابی و یک مرد مهاجر و سپس تهدید او به اخراج پیامبر (ص) را در زمره حوادث جنگ بنی مصطلق یا مریسیع یاد کرده‌اند (ر.ک. واقدی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۹ / یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۵۳ / ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۴۵).

اما در خصوص زمان وقوع این نبرد، سه قول مطرح شده است. قول نخست وقوع جنگ مریسیع در شعبان سال چهارم است (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۶ / ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۴۵) که ابن هشام آن را به شدت نقد کرده است (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۹). قول دوم، شعبان سال پنجم هجری، چند ماه قبل از جنگ احزاب است (واقدی، ۱۳۶۹، صص ۳۰۹-۳۱۵ / ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۴۸-۵۰ / مسعودی، ۱۳۶۵، صص ۲۲۷-۲۲۸) و قول سوم، شعبان سال ششم هجری، چند ماه بعد از جنگ احزاب و قبل از عمره حدیبیه است که ابن اسحاق، مورخ قرن دوم آن را نقل نموده و برخی به اعتبار او این دیدگاه را پذیرفته‌اند (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۹ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۰۴ / ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۴۵ / ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۱۹۲-۱۹۵).

لازم به ذکر است که علی‌رغم اختلاف مورخان در سال وقوع جنگ مریسیع، دو نکته در میان آنان مشترک است. نخست آنکه همه مورخانی که پیش‌تر ذکر شدند، زمان نزول سوره منافقون را در راه بازگشت از این جنگ دانسته‌اند. دوم، وجه مشترک میان هر سه تاریخ ذکر شده آن است که مورخان بر وقوع جنگ مریسیع پیش از فتح مکه در سال هشتم هجری، اتفاق نظر دارند. این بدان معناست که آنان برخلاف روایات ترتیب نزول که سوره منافقون را پس از سوره نصر - که بدون تردید بعد از فتح مکه نازل شده - جای‌گذاری کرده، به نزول این سوره حداقل دو سال و حداکثر چهار سال قبل از فتح مکه اعتقاد دارند.

۱. مراد همان جنگ بنی مصطلق است. برخی، از نام بنی مصطلق به اعتبار قبیله بنی مصطلق که پیامبر (ص) با آنان جنگیده یاد کرده و برخی به اعتبار مکان نبرد، آن را جنگ مریسیع نامیده‌اند (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۰).

با این وجود در میان سه قول مطرح شده درباره زمان وقوع جنگ مریسیع نیز می‌توان به داوری نشست و وقوع این جنگ در سال پنجم هجری را به دو دلیل بر دیدگاه‌های دیگر ترجیح داد. نخست آنکه در جنگ مریسیع از نبرد دلاورانۀ سعد بن معاذ با دشمنان یاد شده و همگان نیز بر شهادت او پس از جنگ بنی قریظه اتفاق نظر دارند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۰). علت شهادت او نیز جراحات ناشی از جنگ احزاب بوده است. در نتیجه لازم است جنگ مریسیع حداکثر در شعبان سال پنجم هجری واقع شود تا سعد بن معاذ در قید حیات بوده و در این جنگ شرکت کرده باشد و پس از آن در شوال همین سال در جنگ احزاب مجروح شده و دو هفته پس از آن در ایام جنگ بنی قریظه شهید شده باشد. بر همین اساس بسیاری برحسب حضور سعد بن معاذ در جنگ مریسیع، وقوع آن در سال پنجم را ترجیح داده‌اند (همان، ج ۲، ص ۲۸۹/ ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۴۶).

دوم آنکه وقوع جنگ مریسیع در سال چهارم، دیدگاهی شاذ است که در برخی منابع به‌عنوان یکی از گفته‌ها مطرح شده، اما هیچ مورخ سرشناسی یافت نشد که این دیدگاه را برگزیده باشد (برای نمونه ر.ک. ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۹/ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۶/ ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۴۵). از سوی دیگر، واقدی و ابن سعد که به سبب تقدم زمانی و گستره اطلاعات، از شاخص‌ترین مورخان محسوب می‌شوند، تنها سال پنجم هجری را زمان وقوع مریسیع عنوان کرده‌اند (واقدی، ۱۳۶۹، صص ۳۰۹-۳۱۵/ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۴۸-۵۰/ مسعودی، ۱۳۶۵، صص ۲۲۷-۲۲۸). ابن هشام نیز تصریح کرده که در میان متقدمان، عروه و دیگران، سال پنجم هجری را زمان وقوع جنگ مریسیع دانسته‌اند و تنها ابن اسحاق بوده که این جنگ را در سال ششم هجری گزارش کرده است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۹). در نتیجه رأی غالب در میان مورخان متقدم، وقوع جنگ مریسیع در سال پنجم هجری و نزول دفعی سوره منافقون در بازگشت از آن بوده است.

۴-۲- آیات زمان‌دار سوره نور

بنا بر گزارش مفسران از اسباب نزول سوره نور، آیات متعددی از آن زمان‌دار است که در ادامه به تفکیک بیان خواهد شد.

۴-۲-۱- آیات افک

مفسران شأن نزول آیات ۱۱ تا ۱۸ نور را حادثه افک دانسته‌اند. طبق گزارش‌های موجود، عایشه در جنگ بنی مصطلق (مریسیع) با پیامبر (ص) همراه بود. در یکی از مکان‌هایی که سپاهیان در مسیر بازگشت توقف می‌کنند، عایشه متوجه گم‌شدن گردنبنند خود شده و به جست‌وجوی آن می‌رود و به تدریج از سپاهیان فاصله می‌گیرد. سپاهیان نیز از نبود عایشه غافل شده و به راه می‌افتند. عایشه بعد از مدتی به محل توقف سپاهیان بازگشته و با نبود آنان در بیابان سرگردان می‌شود تا آنکه یکی از افراد جامانده از سپاه او را دیده و سوار هودج کرده و به مدینه می‌برد. زمانی که عایشه با یک سرباز تنها به مدینه بازگشتند، عبد الله بن ابی، حسان بن ثابت و تنی چند از منافقان، عایشه را به ناپاکی متهم کردند. این تهمت به سرعت در جامعه فراگیر شد و چنان آبروی خانوادگی پیامبر (ص) را تحت تأثیر قرار داد که تحمل فشار عمومی برای پیامبر (ص) و همسرش دشوار شد. در این هنگام آیات سوره نور در برائت عایشه از تهمت ناپاکی و مذمت مردمی که بدون علم قضاوت می‌کردند و عتاب سخت منافقان شایعه‌ساز نازل شد (ر.ک. مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، صص ۱۸۸-۱۹۰ / طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، صص ۶۸-۸۱ / طوسی، بی تا، ج ۷، صص ۴۱۴-۴۱۷ / ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، صص ۱۰۴-۱۱۱).

چنان‌که هویداست سرشناس‌ترین مفسران، این آیات را در وصف حادثه افک دانسته و محتوای حادثه را نیز تهمت به عایشه دانسته‌اند که در راه بازگشت از یکی از جنگ‌ها از کاروانیان جا ماند و با یکی از مسلمانان با تأخیر به مدینه رسید. برخی به صراحت از جنگ بنی مصطلق نام برده و برخی بدون نام جنگ، این واقعه را به عنوان سبب نزول آیات ابتدایی سوره نور گزارش کرده‌اند.

مورخان نیز از یک سو اتفاق نظر دارند که حادثه افک در راه بازگشت از جنگ بنی مصطلق - بنا بر نظر مشهور در اواخر شعبان سال پنجم هجری - اتفاق افتاده و پس از رسیدن سپاه اسلام به مدینه، شایعه‌ای فراگیر ایجاد شده که تا مدتی جامعه را به خود مشغول کرده و از طرف دیگر سبب نزول آیات ۱۱ تا ۲۲ نور را ماجرای افک دانسته‌اند (واقدی، ۱۳۶۹، صص ۳۱۸-۳۲۴ / ابن هشام، بی تا، ج ۲، صص ۲۹۷-۲۹۹ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۶۱۱-۶۲۰ / مسعودی، ۱۳۶۵، صص ۲۲۸-۲۲۹ / یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۵۳ / ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، صص ۱۶۰-۱۶۴ / ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۱۹۵-۱۹۹).

قابل توجه آنکه مورخانی که جنگ بنی مصطلق را در شعبان سال پنجم گزارش نمودند که پیش تر گذشت، ابتدا ماجرای تهدید و اهانت عبد الله بن ابی در سوره منافقون و سپس ماجرای افک را در بازگشت از این جنگ ذکر کرده و سپس حادثه بعدی را جنگ احزاب در شوال سال پنجم (دو ماه بعد) معرفی نموده‌اند (ر.ک. واقدی، ۱۳۶۹، صص ۳۰۹-۳۱۵/ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۴۸-۵۰/ مسعودی، ۱۳۶۵، صص ۲۲۷-۲۲۸).

۴-۲-۲- آیات حفر خندق

آیات پایانی سوره نور (۶۲-۶۳)، تنها کسانی را مؤمن دانسته که به خدا و پیغمبرش گرویده‌اند و چون با وی در کار عمومی شرکت می‌کنند، تا از پیامبر (ص) اجازه نگیرند کار را رها نمی‌کنند. سپس پیامبر (ص) را مختار نموده که به هرکس که اجازه ترک کار می‌گیرد، اذن دهد و برای آنان طلب آمرزش نماید. آیه بعد به عتاب غیرمؤمنان پرداخته و به آنان دستور داده که پیامبر (ص) را مانند افراد عادی مورد خطاب قرار ندهید و پنهانی از کار فرار نکنید که خداوند به اعمال شما آگاه است و کم‌کاری‌ها و تخلفات از فرمان پیامبر (ص) را ثبت می‌نماید. درنهایت نیز کسانی که از فرمان پیامبر (ص) سرپیچی می‌کنند را به نزول بلاها و فتنه‌ها یا عذاب دردناک قیامت انذار داده است.

مفسران درباره نهی آیات شریفه از ترک کار جمعی بدون اجازه از پیامبر (ص)، اقوال مختلفی بیان کرده‌اند. از جمله آنکه این نهی را مربوط به روز جمعه و نماز جمعه دانسته‌اند که خداوند مسلمانان را از ترک مسجد به هنگام خطبه‌های پیامبر (ص) بدون اذن از ایشان نهی فرموده است (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۲۶۲/ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، صص ۱۳۳-۱۳۴/ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۸۷/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۳۲۰).

گروه دیگری این نهی را مربوط به هر کار جمعی از جمله نماز روز جمعه، جنگ‌ها، اعیاد و هر کاری که مشاوره جمعی در آن صورت می‌گیرد دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۸، ص ۱۳۴/ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۶۵/ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۱۲۱/ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۱۵/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۴۸/ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۸۱/ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۵۰/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹، صص ۱۴۲-۱۴۳/ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۳۰).

در این میان مورخان، آیات پایانی سوره نور را مربوط به تخلف منافقان از حفر خندق در آستانه جنگ احزاب دانسته‌اند و اغلب ذیل مقدمات جنگ احزاب به نزول این آیات تصریح

کرده‌اند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۶ / ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، صص ۹۵-۹۶ / ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۱۷۸-۱۷۹ / شمس شامی، ۱۴۱۴، ج ۴، صص ۳۷۰-۳۷۱).

همسو با مورخان، عده‌ای از مفسران نیز شأن نزول این آیات را مربوط به زمان حفر خندق برای جنگ احزاب دانسته‌اند که برخی منافقان از زیر کار، شانه خالی کرده و پنهانی محل کار را ترک می‌کردند که خداوند با نزول آیات فوق آنان را از این رفتار نهی کرد (سمرقندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲۶ / ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، صص ۱۹۷-۱۹۸ / قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۳۲۱ / ثعالبی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۰۱ / ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۲۴۶ / عنایه، ۱۴۱۱، ص ۲۹۲).

در نتیجه سوره نور را با توجه به آیات ابتدایی آن که به جنگ بنی مصطلق در شعبان سال پنجم هجری مرتبط است و آیات پایانی آن که در آستانه جنگ احزاب در شوال همین سال نزول یافته، می‌توان حلقه واسطه میان دو سوره منافقون و احزاب دانست. ضمن آنکه با توجه به فاصله زمانی آیات زمان‌دار این سوره که در ابتدا و انتهای آن قرار گرفته‌اند، چنین استنباط می‌شود که سوره نور در حدود دو ماه (شعبان تا شوال سال پنجم هجری) نازل شده و دارای نزول پیوسته بوده است. به این معنا که آیات سوره از ابتدا تا انتها پشت سرهم برحسب اتفاقات روز به‌طور پیوسته نازل شده و به همان شکل نیز در سوره قرار گرفته است.

۴-۳- آیات زمان‌دار سوره احزاب

سومین سوره مورد بررسی در این نوشتار، سوره احزاب است که به سبب گستردگی آیات زمان‌دار آن، هر حادثه به‌طور مجزا بررسی می‌گردد.

۴-۳-۱- آیات جنگ احزاب

نخستین تلاش‌ها برای آغاز جنگ احزاب از سوی یهودیانی که به مکه سفر کردند تا ابوسفیان را برای جنگ با پیامبر (ص) تحریک کنند، رقم خورده که در آیات ۵۱ و ۵۲ نساء انعکاس یافته است (واحدی، ۱۳۸۳، ص ۸۴ / طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۸۵ / واقدی، ۱۳۶۹، صص ۳۲۹-۳۳۱ / ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، صص ۵۶۱-۵۶۲ / ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، صص ۹۴-۹۵). نزول آیات ۵۱ و ۵۲ نساء برای حادثه مذکور که در سال چهارم هجری واقع شده و پیش‌درآمد جنگ احزاب بوده، خود نشان از نزول سوره نساء قبل از سوره منافقون و نور و احزاب دارد.

پس‌از آن و نزول آیاتی در باب حوادث عمومی جامعه، آیات پایانی سوره نور در مذمت منافقانی که در حفر خندق‌ها کوتاهی می‌کردند نازل شده و درنهایت، آیات جنگ احزاب نیز در

سوره احزاب نازل گردیده است. جنگ احزاب که با ائتلاف قبایل بزرگ یهودیان مدینه، مشرکان مکه و دیگر قبایل مشرک شبه جزیره شکل گرفت تا ریشه اسلام را از جا برکنند، سخت ترین روزها را برای مسلمانان رقم زد. بنا بر توصیف سوره احزاب، دشمنان از شمال و جنوب آماده حمله به مسلمانان بودند و سختی جنگ چنان بود که قلب های رزمندگان به سختی لرزید. بسیاری وعده نصرت الهی و نبوت پیامبر (ص) را دروغ دانسته و به بهانه بی حفاظ بودن خانه هایشان از پیامبر (ص) می خواستند آنان را از جنگ معاف نماید تا نزد خانواده هایشان بروند.

بسیاری از مسلمانان در روزهای سخت احزاب چنان لغزیده بودند که یکدیگر را به ترک صحنه جنگ فراخوانده و اگر دشمن بر آنان غلبه می یافت، از ترس مرگ، عهدشان مبنی بر یاری پیامبر (ص) را شکسته و به سرعت به دوران شرک قبلی شان بازمی گشتند. در همین ایام، یهودیان بنی قریظه نیز که هم پیمان پیامبر (ص) بودند عهدشکنی کرده و با مشرکان متحد شدند تا بر سختی جنگ، بیش از پیش افزوده شود و افزون بر دشمنی که در دروازه شهر بود، مسلمانان از یهودیان ساکن در مدینه هم در امان نباشند. در این هنگام گروهی از مسلمانان با دیدن لشگریان احزاب، به صدق وعده پیامبر (ص) آگاه شده و خود را برای شهادت در راه دین خود آماده ساختند. خداوند تنها این گروه را مؤمنان صادق در عهد و پیمان برشمرد که عده ای از ایشان قبلاً به عهده خود وفا کرده و شهید شدند و عده ای نیز در انتظار شهادت هستند. از طرفی منافقانی را که از جنگ گریختند و عهدشکنی کردند به سختی ملامت نموده و نزدیکی مرگ - در هر نقطه ای که باشند - را به آنان یادآوری کرده است. از سویی به مسلمانان دلداری داده که اگر یهودیان خیانت کرده و برخلاف تعهدشان نه تنها از شما حمایت نمی کنند، بلکه آماده جنگ هستند، نهراسید و بدانید آنان اگر آشکارا عهد نشکسته بودند هم باز جز به ضرورت و مقدار اندک نمی جنگیدند. به عبارت دیگر، در کمترین حد می جنگیدند، فقط در حدی که خیانتشان آشکار نباشد. در نهایت نیز خداوند به پاس صداقت گروهی از مؤمنان، با سپاهی که دیده نشدند و بادهایی که طوفان به پا کردند، سپاه دشمن را از هم متلاشی کرده و مسلمانان را بدون وقوع جنگ، از این مهلکه نجات داد (احزاب: ۳۳/ ۹-۲۵).

غالب مورخان در خلال گزارش جنگ احزاب، آیات فوق از سوره احزاب را که در این حادثه نازل شده ذکر کرده اند (واقعی، ۱۳۶۹، صص ۳۷۲-۳۷۴/ ابن هشام، بی تا، ج ۲، صص ۲۴۵-۲۵۰/ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۳، صص ۴۰۹-۴۵۵). مفسران نیز بر نزول این آیات در خصوص جنگ احزاب اتفاق نظر دارند (برای نمونه ر.ک. قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۷۶/ سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۴۶/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۱۶۰).

۴-۳-۲- آیات جنگ بنی قریظه

به سبب خیانت یهودیان بنی قریظه در جنگ احزاب و متحد شدن آنان با ابوسفیان برای حمله به پیامبر (ص)، رسول خدا بلافاصله پس از اتمام جنگ احزاب، لباس رزم از تن بیرون نکرده و به سوی بنی قریظه رفت و ۱۵ روز، از ۲۳ ذی القعدة تا ۷ ذی الحجه آنان را محاصره نمود (واقعی، ۱۳۶۹، صص ۳۷۵-۳۷۶). عاقبت نیز به پیشنهاد بنی قریظه، رسول اکرم حکمیت را به سعد بن معاذ، رئیس قبیله بنی عبد اشهل از اشراف اوس، واگذار نمود. به موجب تورات و پیمانی که بنی قریظه قبل از جنگ با پیامبر (ص) بسته بودند، سعد حکم کرد که هر کسی علیه پیامبر (ص) تجمع کرده کشته شود، زنان و کودکانشان نیز اسیر شوند (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، صص ۳۱۵-۳۱۶).

مفسران شأن نزول آیات ۲۶-۲۷ احزاب را جنگ پیامبر (ص) با یهودیان خائن بنی قریظه دانسته‌اند (نک. مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، صص ۴۸۴-۴۸۵/ هواری، ۱۴۲۶، ج ۳، صص ۳۱۹-۳۲۰/ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۹۵/ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۳۹۴/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۱/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۱۶۴/ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۳۶) چنان‌که مورخان بسیاری، نزول آیات ۲۶-۲۷ احزاب را در همین ایام دانسته و آیات مذکور را ذیل ماجرای بنی قریظه نقل کرده‌اند (ابن هشام، بی تا، ج ۲، صص ۲۴۵-۲۵۰/ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۴، صص ۲۱-۲۲/ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۱۶).

۴-۳-۳- آیات ازدواج پیامبر (ص) با زینب

در آیات ۳۶-۳۸ احزاب، ابتدا نافرمانی از دستور پیامبر (ص) برای زنان و مردان مؤمن منع شده است. سپس سخن از نعمت خداوند به زید بن حارثه آمده که اشاره به سوق دادن زید از شرک به اسلام است. سپس سخن از انعام پیامبر (ص) به او به میان آمده که در وهله نخست زید را آزاد کرد و پسرخوانده خود قرار داد و در وهله دوم دخترعمه‌اش (زینب بنت جحش) را به ازدواج او درآورد. پس از آن پیامبر (ص)، زید را به ادامه زندگی مشترک با زینب دعوت می‌کرد، اما آن‌ها از یکدیگر جدا شدند. بعد از طلاق، خداوند علی‌رغم ترس پیامبر (ص) از سنت‌شکنی عرب جاهلی، زمینه‌های ازدواج پیامبر (ص) با زینب را فراهم کرد تا همگان بدانند با همسر پسرخوانده می‌توان ازدواج نمود.

مورخان این آیات را زمان‌دار دانسته و به تاریخ‌گذاری آن پرداخته‌اند. ابن کثیر دیدگاه خلیفه بن خیاط، ابو عبیده معمر بن مثنی و ابن منده را ازدواج پیامبر با زینب در سال سوم هجری و در مقابل، دیدگاه قتاده، واقدی و برخی از اهل مدینه را وقوع این ازدواج در سال پنجم هجری توصیف کرده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴۵).

البته قابل توجه است که دیدگاه غالب مورخان، ازدواج پیامبر (ص) با زینب در سال پنجم هجری است که به شکل‌های گوناگون بیان شده است. از جمله آنکه مسعودی حوادث سال پنجم را به ترتیب جنگ بنی مصطلق، جنگ احزاب، جنگ بنی قریظه و در پایان، ازدواج پیامبر (ص) با زینب دانسته است (مسعودی، ۱۳۶۵، صص ۲۲۷-۲۳۰). ابن اثیر نیز ازدواج پیامبر (ص) با همسر زید را در حوادث سال پنجم هجری ذکر کرده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷۷). ذهبی نیز زمان وقوع این ازدواج را پس از جنگ احزاب اعلام کرده (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۵۶) که در نتیجه، این ازدواج در پایان سال پنجم تاریخ‌گذاری می‌شود.

ابن اثیر در اسد الغابه، دیدگاه قتاده را ازدواج پیامبر (ص) با زینب در سال پنجم هجری و دیدگاه ابن اسحاق را نیز وقوع این ازدواج پس از ازدواج پیامبر (ص) با ام سلمه دانسته است (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۲۵). با توجه به آنکه همسر ام سلمه در جنگ احد مجروح شده و در آستانه جنگ احزاب در گذشته (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۵۶)، زمان ازدواج پیامبر (ص) با زینب که بعد از ازدواج با ام سلمه بوده، پس از جنگ احزاب تخمین زده می‌شود. بیهقی در این زمان فراتر رفته و ازدواج پیامبر (ص) با ام سلمه را نیز بعد از جنگ احزاب دانسته (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۴۶۳) و سپس ازدواج پیامبر با زینب را ذکر کرده است (همان، ج ۳، صص ۴۶۵-۴۶۷).

در نتیجه دیدگاه غالب و قابل‌اعتماد در تاریخ‌گذاری آیات ازدواج پیامبر (ص) با زینب، ازدواج آنان در پایان سال پنجم و نزول آیات مذکور در همین زمان است. در نهایت با توجه به سه دسته آیات زمان‌دار در سوره احزاب که به جنگ احزاب، جنگ بنی قریظه و ازدواج پیامبر (ص) با زینب اختصاص یافته، به دو دستاورد می‌توان رسید:

الف) همه حوادث ذکر شده در سوره احزاب، مربوط به چند ماه پایانی سال پنجم هجری است که نشان می‌دهد سوره احزاب از ابتدا تا انتها به‌طور پیوسته و بدون وقفه در بازه زمانی کوتاه چندماهه نازل شده است.

ب) هر سه گروه آیات زمان‌دار سوره احزاب به ترتیب تاریخ، پشت سرهم قرار گرفته که نشانگر کیفیت نزول آیات این سوره است. بدین‌سان که آیات سوره احزاب به‌طور پیوسته

برحسب حوادث روز نازل شده و به همان ترتیبی که نازل گردیده، پشت سرهم در سوره قرار گرفته است.

۴-۴- تاریخ گذاری سه سوره برحسب آیات زمان دار

با تکیه بر آیات زمان دار هر سه سوره و گزارش های متعدد تاریخی که در راستای تاریخ گذاری دقیق آیات مذکور بیان شد و آراء مفسران که به آنها ضمیمه گشت، می توان به تاریخ گذاری نوینی از سوره ها دست یافت.

در نتیجه برخلاف روایات ترتیب نزول که سوره احزاب را بلافاصله بعد از سوره آل عمران قرار داده، میان نزول این دو سوره، سور منافقون و نور نازل شده اند.

سوره آل عمران به تفصیل به حوادث جنگ احد که بنا بر تاریخ قطعی در سال سوم هجری واقع شده، پرداخته و سوره احزاب نیز به جنگ احزاب که در سال پنجم واقع گردیده، اختصاص یافته است. از چینش پشت سرهم این دو سوره در روایات ترتیب نزول، چنین به نظر می رسد که حداثه جنگ احد در سال سوم هجری تا جنگ احزاب در سال پنجم، هیچ آیه و سوره دیگری نازل نشده است؛ زیرا هر دو سوره دارای آیات زمان داری بوده و هویداست که اولی در سال سوم هجری و دومی در سال پنجم هجری نازل شده است. به همین سبب، زمانی که روایات ترتیب نزول این دو سوره را علی رغم دو سال فاصله میان زمان نزول آنها، پشت سرهم ذکر کرده، گویی ادعا کرده که در این دو سال سوره دیگری نازل نشده است؛ یا آنکه سوره هایی در این میان بوده که جا انداخته که در دو حالت، این نوع چینش، نشانگر ضعف روایات ترتیب نزول و بی اعتباری آنهاست.

درحالی که با تکیه بر آیات زمان دار سه سوره مورد بحث، به سه دستاورد جدید می توان دست یافت:

نخست) سه سوره مذکور به ترتیب منافقون، نور و احزاب نازل شده اند.

دوم) این سه سوره در بازه زمانی شعبان سال پنجم هجری که جنگ بنی مصطلق رخ داده تا ذی الحجه همان سال که جنگ بنی قریظه خاتمه یافته و پیامبر (ص) با زینب ازدواج نموده، در حدود پنج ماه نازل شده است. از این رو به نظر می رسد حتی پس از آل عمران در سال سوم هجری، سوره طولانی دیگری نیز آغاز شده که نزول آن تا قبل از ماه شعبان سال پنجم هجری ادامه داشته است. برحسب روایات سبب نزول ذیل سوره نساء و آیات زمان دار این سوره،

می‌توان حدس زد که این سوره پس از سوره آل عمران و قبل از سوره منافقون فرود آمده است (ر.ک. کلباسی، ۱۳۹۷، ۴۱۸-۴۳۹).

سوم) هر سوره نزول پیوسته داشته و از ابتدا تا انتهای آن بدون وقفه، پشت سرهم و متناسب با حوادث روز نازل و به همین شکل نیز در سوره‌ها قرار گرفته است.

۵- ارتباط مضمونی سه سوره منافقون، نور و احزاب

افزون بر آیات زمان‌دار سه سوره که پیش‌تر گذشت، از موضوعات مشترک میان این سوره‌ها و فراز و نشیبی که پیموده نیز می‌توان به تقدم و تأخر زمان نزول آن‌ها پی برد. در این بخش نیز با بررسی دو موضوع نفاق در جامعه اسلامی و چگونگی تعامل مسلمانان با همسران پیامبر (ص) در هر سه سوره، سعی در کشف ارتباط‌های معنایی سور مذکور و سپس تاریخ‌گذاری آنان می‌گردد.

۵-۱- معضل نفاق در جامعه اسلامی

سوره منافقون چنانکه از نامش هویدا است، در پی خیانت آشکار منافقان در جنگ بنی‌مصطلق نازل گردیده و تنها بر موضوع نفاق متمرکز شده و این گروه را به سبب آنکه نه تنها از پیامبر (ص) تبعیت ندارند، بلکه حتی از طلب آموزش آن حضرت نیز اعراض کرده و در گامی فراتر، پیامبر (ص) را تهدید به اخراج از مدینه نموده‌اند، مورد عتاب قرار داده است. نکته حائز اهمیت آنکه معضل نفاق در جامعه اسلامی را نه تنها در سوره منافقون، بلکه به‌وضوح در سور قبل و بعد آن نیز می‌توان مشاهده کرد.

مشابه همین آیات در سوره نساء نیز که قبل از سوره منافقون نازل شده به چشم می‌آید که خداوند از یک‌سو منافقان را به سبب آنکه برای قضاوت نزد اهل کتاب می‌روند و حکم پیامبر (ص) را قبول ندارند، مورد مذمت قرار داده و شرط آموزش آنان را تبعیت محض از فرمان پیامبر (ص) تعیین نموده (نساء: ۴/ ۶۰-۶۵) و از سوی دیگر، منافقان را به سبب کوتاهی در جهاد و آنکه هرگاه مسلمانان به فتح می‌رسند، دوست دارند در غنائم با آنان سهیم شوند و هرگاه در سختی جهاد هستند از آنان فاصله می‌گیرند، مذمت کرده است (نساء: ۴/ ۶۶-۷۳).

در رویکرد مشابهی در سوره نور نیز که پس از سوره منافقون نازل شده، منافقان به سبب آنکه در ظاهر اظهار تبعیت از پیامبر (ص) دارند اما در عمل از فرمان او سر باز می‌زنند و حتی به حکم و قضاوت پیامبر (ص)، بهایی نمی‌دهند، مورد مذمت قرار گرفته‌اند (نور: ۲۴/ ۴۷-۵۳).

در آیات پایانی سوره نور نیز برخی مسلمانان به سبب آنکه بدون اذن پیامبر (ص)، محل کار جمعی (حفر خندق) را ترک می‌کنند تا کوتاهی کرده باشند، مذمت شدند و در مقابل، مسلمانانی که از پیامبر (ص) تبعیت داشته و با کسب اجازه از ایشان کار را متوقف می‌کنند، ستایش شده‌اند (نور: ۲۴/۶۲-۶۳).

همین جریان در سوره احزاب هم نقد شده‌اند که تأمل در عتاب‌ها نشانگر وجود دو جریان نفاق متفاوت است.

نخست مسلمانان منافقی که در مواجهه با سپاه مشرکان و یهودیان، ترسیدند و ادعای نبوت پیامبر (ص) را دروغ پنداشتند و به یکدیگر گفتند ما توانایی یاری در برابر این سپاه را نداریم. سپس به دروغ به پیامبر گفتند: خانه‌های ما بی حفاظ است و باید به منازل خود بازگردیم و دوستان خود را نیز به فرار از میدان نبرد فرامی‌خوانند و اگر دشمن به آنان تسلطی می‌یافت، به سرعت به شرک قبلی خود بازمی‌گشتند (احزاب: ۱۰-۱۸). این گروه همان منافقانی هستند که در سه سوره قبل، همواره مورد عتاب قرار گرفته‌اند.

در ادامه، سوره احزاب به نفاق یهودیان بنی قریظه پرداخته که برخلاف پیمان صلح با پیامبر (ص)، با ابوسفیان علیه پیامبر (ص) متحد شدند تا از شمال و جنوب مدینه به آن حضرت حمله کنند و مسلمانان را نابود سازند. پیامبر (ص) بلافاصله پس از نبرد احزاب، این گروه را به سبب آنکه آشکارا علیه پیامبر و مسلمانان وارد جنگ شده و پیمان شکستند، محاصره کرده و از مدینه اخراج کرد (احزاب: ۱۹-۲۷).

۵-۲- جایگاه همسران پیامبر (ص) در جامعه

سوره نور با بررسی آسیب فحشا و مجازات سنگین برای آن در جامعه اسلامی آغاز شده و با بررسی مسأله افک که اتهام فحشا به یکی از همسران پیامبر (ص) بوده ادامه یافته است. به سبب فراگیر شدن تهمت به همسر پیامبر (ص)، خداوند به نوعی محوریت سوره نور را آموزش مسائل اخلاقی قرار داده است. پرهیز از شایعه‌پراکنی، پرهیز از اشاعه فحشا، پرهیز از اتهام‌زنی به زنان مسلمان، اذن دخول برای ورود به هر مکان، کنترل نگاه زن و مرد، پوشش زنان، ازدواج و آزادسازی بردگان، نهی از وادار کردن کنیزان به زنا، اذن دخول به حریم خصوصی زناشویی در اوقات سه‌گانه و البته پرداختن به مسأله نفاق به طور مفصل که از نزول سوره نساء هم که قبل از آن نازل شده، دغدغه جدی بوده است. در واقع در سوره نور، هم مسأله نفاق و هم مسائل

اخلاقی که به منزله نظام‌سازی جامعه مدنی است، در امتداد سوره نساء قرار گرفته و به خوبی ارتباط معنایی‌اش را با سور قبلی خود حفظ کرده است!

نکته حائز اهمیت نیز آن است که در سوره نور موضع الهی، دفاع از زنان پیامبر (ص) و نهی مردم از شایعه‌پراکنی و تویخ سخت تهمت‌زندگان به زنان پاک‌دامن به‌ویژه همسران پیامبر (ص) است.

در آیات ابتدایی سوره احزاب به مسأله جایگاه مادری زنان پیامبر (ص) برای همه امت اشاره گردیده که شاید نشانگر آن باشد که تبعات تهمت به زنان آن حضرت در ماجرای افک، هنوز به‌طور کامل در جامعه از بین نرفته است. بیان جایگاه مادری برای همسران پیامبر از یک‌سو جایگاه آنان را ارتقا داده تا زین پس حرمت آنان به‌طور ویژه حفظ شود و از سوی دیگر امیدهای واهی برخی جاه‌طلبان به ازدواج با این زنان در آینده و سوءاستفاده از موقعیت آنان را نابود سازد.

بلافاصله بعد از دو جنگ احزاب و بنی قریظه، گویا دوباره مسأله زنان پیامبر در جامعه مدنی پررنگ شده که آیات متعدد درباره آنان نازل گردیده است؛ اما تأمل در آیات سوره احزاب نشانگر آن است که در این سوره برخلاف سوره نور که خداوند با تمام توان از زنان پیامبر دفاع کرده، گاهی به این زنان عتاب نموده است.

چنان‌که در پی زیاده‌خواهی زنان پیامبر از غنائم، آنان را بین دو امر مخیر کرده و به آنان فرموده: یا دنیا را برگزینید و طلاق بگیرید یا پیامبر را انتخاب کنید و ساده‌زیست باشید. چنان‌که به آنان هشدار می‌دهد برای خوب و بد اعمالشان دو برابر پاداش یا عذاب دریافت می‌کنند تا سخت مراقب خود باشند (احزاب: ۳۳/ ۲۸-۳۱).

گاه به آنان توصیه‌هایی می‌کند که خود را در معرض فتنه‌گران قرار ندهند و سوژه برای تهمت زدن و بی‌آبرویی پیامبر (ص) دست مخالفان ندهند. از جمله آنکه از عشوه‌گری در سخن گفتن پرهیز نمایند (احزاب: ۳۳/ ۳۲)، از تبرج و خودنمایی پرهیز کنند (احزاب: ۳۳/ ۳۳)، بیشتر در خانه بمانند و به آموزش قرآن بپردازند و کمتر در جامعه حاضر شوند (احزاب: ۳۳/ ۳۳-۳۴)، در برابر بی‌نظمی‌های پیامبر (ص) در نوبت‌های میان آنان صبور باشند (احزاب: ۳۳/ ۵۱)، از پشت پرده با مردانی که به خانه آنان می‌آیند ارتباط محدود و ضروری داشته باشند تا قلب‌های

۱. برای اطلاع از زمان نزول سوره نساء و ارتباط آن با سوره نور، رک. ۳۴. کلباسی، زهرا؛ «نظریه نزول پیوسته آیات در سوره‌های قرآن کریم»؛ رساله دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۷ ش.

خودشان و آن مردان پاک بماند (احزاب: ۳۳/۵۳) و به هنگام خروج از خانه حجاب برگیرند تا مورد تعرض بیماردلان قرار نگیرند (احزاب: ۳۳/۵۹-۶۰).

در مقابل، توصیه‌هایی نیز به پیامبر (ص) شده، از جمله آنکه در ازدواج با همسر زید از رسوم غیرشرعی عرب نهراسد و به حلال خدا التزام داشته باشد (احزاب: ۳۳/۳۶-۳۸)؛ حق ویژه در ازدواج برای پیامبر (ص) قائل شده که بتواند بیش از چهار همسر داشته باشد (احزاب: ۳۳/۵۰) و در نهایت زمانی که افزوده شدن همسران پیامبر (ص) به معضل تبدیل شده، راه ازدواج با پیامبر را مسدود کرده و تنها کنیز شدن را راه ازدواج با آن حضرت قرار داده است (احزاب: ۳۳/۵۲). از مجموع آیات مذکور می‌توان چند نکته را استنباط کرد: نخست آنکه مسائل خانوادگی پیامبر سوژه‌ای برای منافقان شده تا به وسیله آن شخصیت پیامبر (ص) و خانواده او را در جامعه تخریب نمایند. از این رو خداوند، هم در اصل ازدواج‌ها و هم در شیوه رفتار همسران پیامبر (ص)، دستورات متعددی در سوره احزاب نازل فرموده است.

دوم، جسارت منافقان و فعالیت آنان علیه پیامبر (ص) به حدی گسترش یافته که برای زنان پیامبر ایجاد مزاحمت می‌نمایند که در نتیجه به زنان پیامبر و سپس عموم زنان دستور به حجاب داده می‌شود (احزاب: ۳۳/۵۹-۶۰) و یا حتی ممکن است در منزل پیامبر (ص)، نگاهی آلوده و دسیسه‌گرانه به زنان آن حضرت داشته باشند که دستور داده می‌شود از پشت پرده با زنان پیامبر سخن بگویند (احزاب: ۳۳/۵۳). این جسارت و بروز علنی نفاق در جامعه، شبیه به آیاتی است که پیش‌تر در حوزه رفتار منافقان بیان شد که همگی نشانگر عصیان علنی منافقان در برابر پیامبر (ص) بود.

سوم، دفاع همه‌جانبه خداوند از همسران پیامبر (ص) در سوره نور نشانگر آن است که همسران رسول خدا مرتکب هیچ خطایی نشده‌اند و صرفاً منافقان به آنان تهمت زده‌اند؛ اما عتاب‌های سوره احزاب خطاب به زنان پیامبر نشانگر آن است که برخی از آنان در جامعه با خودنمایی در گفتار و رفتار و میل به کسب منفعت دنیایی هرچه بیشتر، خود دچار اشتباهاتی شده و به دسیسه منافقان در تخریب شخصیت پیامبر (ص) دامن می‌زنند. این کج‌روی به حدی بوده که از یک‌سو زنان پیامبر به طلاق تهدید شده‌اند و از سوی دیگر با تشویق آنان به عدم خروج از منزل و حتی عدم ارتباط مستقیم با مردانی که به منزل آنان رفت‌وآمد دارند، سعی در کاهش حداکثری ارتباط آنان با جامعه شده تا هرگونه بهانه‌ای از بدخواهان سلب گردد. نتیجه

آنکه نوع تعامل آیات وحی با زنان پیامبر (ص) می‌تواند قرینه‌ای بر نزول سوره نور قبل از سوره احزاب باشد.

در تأیید این قرینه به آیات سوره تحریم می‌توان رجوع کرد که پس از سوره احزاب نازل شده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، صص ۶۱۲-۶۱۳) و با تهدید جدی دو تن از زنان پیامبر به طلاق و جایگزینی زنان صالح به جای آنان، در مقایسه با سوره احزاب عتاب سنگین‌تری به همسران پیامبر وارد نموده است. سپس فراتر رفته و دو زن خطاکار را تهدید کرده که در صورت مکر دوباره علیه پیامبر (ص)، خداوند، جبرئیل و مؤمنان صالح به جنگ با آنان خواهند آمد. در ادامه نیز از دو زن گمراه حضرت نوح و حضرت لوط که به دوزخ گرفتار شدند به‌عنوان زنان ناصالح مثال زده است. نتیجه آنکه در سوره تحریم، توطئه‌گری و بدخواهی دو تن از زنان پیامبر (ص) علیه ایشان به‌وضوح مطرح شده که از یک‌سو نشانگر سیر قهقرایی دو تن از زنان پیامبر از سوره نور تا تحریم است و از سوی دیگر مؤید نزول سوره نور قبل از احزاب و احزاب قبل از تحریم است.

در مجموع نیز از دو موضوع نفاق و تعامل جامعه اسلامی با زنان پیامبر (ص) که در هر سه سوره بررسی شد، به‌وضوح می‌توان به اشتراکات فراوان محتوایی میان آنان پی برد و با توجه به دغدغه‌های مشترکی که در هر سه سوره مرتب تکرار شده به‌عنوان مؤیدی در کنار سایر دلایل مطرح شده، مبنی بر نزول نزدیک و پشت‌سرهم آنان در یک برهه زمانی دانست؛ زیرا حجم قابل توجهی از هر سه سوره به دو موضوع مذکور اختصاص یافته که نشان می‌دهد موضوع نفاق و موضوع زنان پیامبر (ص) در سال پنجم هجری، دو معضل مهم و رایج جامعه اسلامی بوده که این سوره‌ها درصدد حل آن هستند.

نتیجه‌گیری

گزارش‌های متقن تاریخی و اتفاق‌نظر مفسران در نقل اسباب نزول ذیل سه سوره منافقون، نور و احزاب حاکی از آن است که هر سه سوره، دارای آیات زمان‌داری بوده که با تکیه بر آنها می‌توان به تاریخ‌گذاری سور مذکور دست یافت. چنان‌که مورخان و مفسران، سوره منافقون را مربوط به تهدید عبدالله بن ابی به پیامبر (ص) دانسته و زمان نزول آن را بازگشت از جنگ بنی مصطلق در شعبان سال پنجم هجری - بنا بر نظر مشهور - اعلام کرده‌اند. مورخان پس از آن، آیات افک که در پی تهمت منافقان به عایشه که در راه بازگشت از جنگ بنی مصطلق وارد شد که در

ابتدای سوره نور فرود آمده را نقل کرده‌اند. دیدگاه غالب مفسران نیز نزول آیات افک به همین مناسبت بوده است.

سپس بسیاری از مورخان و مفسران سبب نزول آیات پایانی سوره نور را عتاب منافقانی دانسته‌اند که در آستانه جنگ احزاب از حفر خندق‌ها سرباز زده و نافرمانی پیامبر (ص) می‌کردند. در ادامه نیز همه مورخان و مفسران بر نزول آیات ابتدایی سوره احزاب در جنگ احزاب و سپس جنگ بنی قریظه و نزول آیات میانی آن در خصوص ازدواج پیامبر (ص) با زینب که همگی از شوال تا ذی‌الحجه سال پنجم هجری نازل شده، اتفاق نظر نموده‌اند.

در نتیجه این سه سوره برحسب حوادث تاریخی که ذکر شد، پشت سرهم، در فاصله زمانی شعبان تا ذی‌الحجه سال پنجم هجری و با ترتیب منافقون، نور و احزاب نازل شده‌اند. کشف این ترتیب نزول جدید از سه سوره مذکور، به‌وضوح با گزارش روایات ترتیب نزول که دو سوره نور و منافقون را پس از سوره نصر - که به مناسبت فتح مکه در سال هشتم هجری نازل شده - قرار داده‌اند، تغایر یافته و ضعف این روایات در برابر گزارش‌های متقن و اجماعی مورخان و مفسران از حوادث صدر اسلام را آشکار ساخته است؛ لذا هرچند نمی‌توان به روایات ترتیب نزول بی‌اعتنا بود، اما در تاریخ‌گذاری سوره‌ها باید با نگاهی انتقادی به ارزیابی جایگاه سوره‌ها برحسب قرائن درون‌متنی و گزارش‌های متقن برون‌متنی، پرداخت.

منابع و مأخذ

- قرآن كريم

١. ابن اثير، على بن محمد؛ *الكامل في التاريخ*؛ بيروت: دار صادر، ١٣٨٥ ق.
٢. _____؛ *أسد الغاية في معرفة الصحابة*؛ بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩ ق.
٣. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد؛ *ديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب*؛ به كوشش: خليل شحادة، ج ٢، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٨ ق.
٤. ابن سعد، محمد بن سعد؛ *الطبقات الكبرى*؛ به كوشش: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ ق.
٥. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ *التحرير والتنوير*؛ بيروت: مؤسسة التاريخ، بی تا.
٦. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله؛ *الاستيعاب في معرفة الاصحاب*؛ به كوشش: على محمد البجاوي، بيروت: دار الجليل، ١٤١٢ ق.
٧. ابن عطية، عبدالحق بن غالب؛ *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٢ ق.
٨. ابن كثير، اسماعيل بن عمر؛ *البيدایة و النهایة*؛ بيروت: دار الفكر، ١٤٠٧ ق.
٩. _____؛ *تفسير القرآن العظيم*؛ به كوشش: محمدحسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمدعلى بيضون، ١٤١٩ ق.
١٠. ابن هشام، عبدالملك بن هشام؛ *السيرة النبوية*؛ به كوشش: مصطفى السقا، ابراهيم الأبياري، عبدالحفيظ شلبي، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
١١. ابوالفتوح رازی، حسين بن على؛ *روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*؛ به كوشش: محمدجعفر ياحقى، محمدمهدى ناصح، مشهد: آستان قدس رضوى، ١٤٠٨ ق.
١٢. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم*؛ به كوشش: على عبدالبارى عطية، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق.
١٣. بيضاوى، عبدالله بن عمر؛ *أنوار التنزيل و أسرار التأويل*؛ به كوشش: محمد عبدالرحمن المرعشلى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤١٨ ق.
١٤. بيهقى، احمد بن حسين؛ *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة*؛ به كوشش: عبدالمعطى قلجعى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٥ ق.
١٥. ثعالبي، عبدالرحمن بن محمد؛ *جواهر الحسان في تفسير القرآن*؛ به كوشش: محمدعلى معوض و عادل احمد عبدالموجود، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤١٨ ق.
١٦. ثعلبي، احمد بن ابراهيم؛ *الكشف و البيان عن تفسير القرآن*؛ بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ ق.

۱۷. دروزة، محمد عزت؛ *التفسير الحديث*؛ ج ۲، قاهره: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۸۳ ق.
۱۸. ذهبي، محمد بن احمد؛ *تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والاعلام*؛ به كوشش: عمر عبد السلام تدمري، ج ۲، بيروت: دارالكتاب العربي، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. زنجاني، ابو عبدالله؛ *تاريخ القرآن*؛ تهران: منظمة الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. سمرقندی، نصر بن محمد؛ *بحر العلوم*؛ لبنان، دار الفكر، ۱۴۱۶ ق.
۲۱. شمس شامی، محمد بن يوسف؛ *سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد*؛ به كوشش: عادل احمد عبدالموجود و علي محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. شهرستاني، محمد بن عبدالكريم؛ *مفاتيح الاسرار و مصابيح الابرار*؛ به كوشش: پرويز اذكائي، تهران: مركز انتشار نسخ خطی، ۱۳۶۸ ش.
۲۳. طباطبائي، سيد محمدحسين؛ *الميزان في تفسير القرآن*؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسین حوزه علميه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۴. طبرسي، فضل بن حسن؛ *مجمع البيان في تفسير القرآن*؛ به كوشش: محمدجواد بلاغي، ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۵. طبري، محمد بن جرير؛ *جامع البيان في تفسير القرآن*؛ بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. _____؛ *تاريخ الطبري*؛ به كوشش: محمد ابوالفضل ابراهيم، ج ۲، بيروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۲۷. طوسي، محمد بن حسن؛ *التبيان في تفسير القرآن*؛ بيروت: دار احياء التراث العربي، بی تا.
۲۸. عنایة، غازي؛ *أسباب النزول القرآني*؛ بيروت: دار الجليل، ۱۴۱۱ ق.
۲۹. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *مفاتيح الغيب*؛ ج ۳، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۲۰ ق.
۳۰. فراء، يحيى بن زياد؛ *معاني القرآن*؛ به كوشش: احمد يوسف نجاتي، محمدعلي نجار، عبدالفتاح اسماعيل شلب، مصر: دار المصرية، ۱۹۸۰ م.
۳۱. فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى؛ *تفسير الصافي*؛ ج ۲، تهران: مكتبة الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. قرطبي، محمد بن احمد؛ *الجامع لاحكام القرآن*؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۳۳. قمي، علي بن ابراهيم؛ *تفسير القمي*؛ به كوشش: طيب موسوي جزايري، ج ۳، قم: دار الكتاب، ۱۳۶۳ ق.
۳۴. كلباسي، زهرا؛ «*نظريه نزول پيوسته آيات در سوره های قرآن كريم*»؛ رساله دكترى، رشته علوم قرآن و حديث، دانشكده ادبيات و علوم انساني، دانشگاه اصفهان، تاريخ دفاع: ۱۳۹۷ ش.

۳۵. مسعودی، علی بن حسین؛ *التنبیه و الاشراف*؛ ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
۳۶. معرفت، محمدهادی؛ *علوم قرآنی*؛ ج ۴، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۱ ش.
۳۷. مقاتل بن سلیمان؛ *تفسیر مقاتل بن سلیمان*؛ بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۳۸. نکونام، جعفر؛ *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*؛ تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۰ ش.
۳۹. واحدی، علی بن احمد؛ *اسباب النزول*؛ ترجمه: علیرضا ذکاوتی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ ش.
۴۰. واقدی، محمد بن عمر؛ *مغازی: تاریخ جنگ های پیامبر (ص)*؛ ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش.
۴۱. هواری، هود بن محکم؛ *تفسیر کتاب الله العزیز*؛ الجزایر: دار البصائر، ۱۴۲۶ ق.
۴۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ *تاریخ الیعقوبی*؛ بیروت: دار صادر، بی تا.